

راهکارها و روش‌های تشویق و ترغیب فرزندان به نماز

نجمه حاتمی^۱

چکیده

انسان برای رسیدن به کمال و قرب به حق آفریده شده است. خداوند نیز پیامبران و اولیای الهی را با برنامه جامع سعادت به میان انسانها فرستاد تا با پیروی از آن بزرگواران به سعادت حقیقی دست یابند در این میان هویت دینی پدیده‌ای است که به تدریج و در پی عمل به آموزه‌های وحیانی به دست می‌آید. مهم‌ترین بخش پیکره هویت دینی نماز است. در این پژوهش با بررسی خصوصیات و ویژگیهای دوره کودکی و نوجوانی که مهمترین ادوار برای تربیت عبادی فرزند هستند، با بهره‌گیری از دیدگاه دانشمندان اسلامی و روان‌شناسان و سود بردن از آیات و روایات راهکارهایی ارائه شده که به کمک آنها می‌توان فرزندان را در این دو دوره به انجام اعمال عبادی ترغیب نمود ضمن اینکه در کنار این راهکارها نباید از نقش زمینه‌ای و خانوادگی غافل ماند. در ادامه نیز نقش غیر قابل تردید والدین در هریک این دوره‌ها مورد بررسی قرار گرفته است و به متولیان امر تربیت دینی به عنوان عاملی بسیار اثرگذار در شکل‌گیری هویت دینی شخص اشاره شده است.

کلید واژه: نماز، کودک، والدین، مربیان، تربیت عبادی، متوکی، تشویق، ترغیب

^۱. طلبه سطح ۲، حوزه علمیه فاطمه‌الزهرا، استان فارس، شهرستان خفر

مقدمه

میل به پرستش و نیایش به صورت فطری در ذات انسان‌ها نهاده شده و تجربیات و مشاهدات بشر به خوبی مؤید این مطلب است. بنابراین آنچه برای هدایت کودک به سمت اعمال عبادی و از جمله نماز مورد نیاز است فطرتاً در ذات او کاشته شده اما بارور شدن این نهال معلول عوامل بیرونی و درونی بسیاری است. از همین روی برای آموزش اعمال عبادی و در واقع تربیت دینی فرزندان و تشویق و ترغیب آنها به نماز و سایر امور عبادی باید به اقتضای سنین مختلفی که فرد در آن قرار می‌گیرد و با توجه به خصوصیات هر دوره، روش‌های متناسب با آن دوره به کار گرفته شود. در این پژوهش سعی شده با توجه به مراحل مختلف زندگی شخص تا قبل از رسیدن به جوانی ابتدا ویژگی‌های هر دوره مورد بررسی قرار گیرد تا تا مناسب‌ترین روش‌ها با توجه به هر دوره به کار گرفته شود و سپس روش‌های مختلف در تربیت عبادی متناسب با هر دوره بیان شده و در ادامه نقش متولیان امور تربیت دینی یعنی والدین، معلمان، مربیان و سایر عوامل در هر دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در خصوص دوره‌های مختلفی که برای تربیت عبادی در نظر گرفته شده، اندیشمندان اسلامی این دوره‌ها را به سه بخش تقسیم کرده‌اند: الف) ولادت تا هفت سالگی؛ ب) هفت سالگی تا ظهور بلوغ؛ ج) سن بلوغ به بعد (محمد موسوی بجنوردی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۰). پیامبر (ص) هفت سال اول را سیادت کودک، هفت سال دوم را تعلیم پذیری، اطاعت و فرمانبرداری کودک و هفت سال سوم را دوران مشورت می‌داند. (محمد بن حسن، حرّعاملی ج ۱، ص ۴۷۷)

به عبارتی هفت سال اول را کودکی اول و هفت سال دوم را کودکی دوم نامیده‌اند که مجموعاً تحت عنوان دوران کودکی مورد بررسی قرار می‌گیرد که تربیت عبادی و معنوی کودک در این دوره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا بخش مهم تربیت دینی در این دوران شکل می‌گیرد. هفت سال سوم آغاز دوره نوجوانی که در واقع برگ جدیدی از زندگی شخص می‌باشد، دوره‌ای پر چالش و منحصر به فرد که ویژگی‌های مربوط به خود را داشته و شیوه‌های مخصوص به خود را می‌طلبد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) ویژگی‌های دوران کودکی

یکی از مسایلی که در آموزش اعمال دینی حائز اهمیت است زمان و دوره آغاز این آموزش‌ها می‌باشد. بعضی از والدین و مربیان به اشتباه می‌پندارند برای شکل‌گیری هویت دینی مقدمات آن را باید از دوره نوجوانی فراهم کرد، در صورتی که آنچه با پژوهش‌های صاحب‌نظران روان‌شناسی و علوم تربیتی به اثبات رسیده اهمیت دوران کودکی در شکل‌گیری هویت دینی مطلوب است. یکی از مبانی تربیتی اندیشه ابوعلی سینا اهمیت آغاز آموزش‌های دینی قبل از هجوم مسائل غیر اخلاقی است. او معتقد است بعد از پایان دوره شیر خواری باید مقدمات آن فراهم شود. وی در کتاب قانون در طب می‌نویسد: «باید بسیار مراقب بود که در اوان انتقال فرزند به مرحله کودکی، اخلاق و رفتار وی پسندیده و معتدل گردد. در این دستور دو نفع وجود دارد؛

یکی اینکه اخلاق در او محکم می‌شود و از او جدا نمی‌گردد و دیگر اینکه از عادت‌های زشت و نامناسب دور می‌شود. بو علی معتقد است در این دوره باید به آموزش قرآنی توجه داشت و البته در این کار نباید زیاده روی و یا کم روی کرد». (عبدالرحمن شرفکندی، قانون در طب، ۱۳۶۳)

بنابراین یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره انعطاف‌پذیری روحی و سطح بالای پذیرش در کودکان است که همین ویژگی کودکی را به فرصتی عالی برای نهادینه کردن اعمال عبادی تبدیل کرده است. امام علی (ع) در نامه سی و یک نهج البلاغه خطاب به فرزندش امام حسن اینگونه بیان می‌کند؛ «قلب کودک مانند زمین خالی است که هر بذری در آن بکارند می‌روید از این رو تربیت تو را در کودکی و قبل از آنکه قلبت سخت و ذهنت مشغول شود آغاز کردم». (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

غزالی معتقد است تربیت دینی باید از سنین کودکی آغاز شود چون در این سن کودک بدون طلب دلیل و برهان آماده پذیرش عقاید دینی است. (محمد رضا فضل‌الله، در آمدی بر تربیت دینی با توجه به پیشرفت و ادراکات دینی در کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۹) امام صادق (ع) درباره ضرورت و اهمیت تربیت دینی کودک می‌فرماید: هر چه زودتر معارف اسلامی را به فرزندان خود بیاموزید پیش از آنکه منافقان با آموزش‌های انحرافی بر شما سبقت گیرند. (محمد بن یعقوب، کلینی، اصول کافی، جلد ۶، ص ۴۷)

با عنایت به این بیانات اگر والدین می‌خواهند فرزندانی داشته باشند که در نوجوانی و جوانی به نماز خواندن و انجام سایر امور عبادی پایبند و علاقه‌مند باشند باید بذری این علاقه را از کودکی در دل فرزند خود بکارند و این بذری را با به کار گرفتن شیوه‌های مناسب آموزشی و مراقبت و توجه به فرزند خود، آبیاری کنند تا در وقت خود به کمال رسیده و صاحبش را از ثمرات آن بهره‌مند سازد.

این مراقبت‌ها شامل مجموعه‌ای از رفتارها و روش‌هاست که بخش اعظم تربیت عبادی کودک را شکل می‌دهد که در ادامه به نقش والدین در این مسیر پرداخته می‌شود.

ب) نقش والدین در تربیت عبادی کودک

در خصوص نقش والدین به طور قطع می‌توان گفت مؤثرترین عامل در تربیت دینی کودک و ترغیب او انجام اعمال عبادی پدر و مادر هستند چون والدین اولین الگو و مربی فرزند خود هستند. کودکان در این دوره نظاره‌گر رفتار والدین خود می‌باشند در واقع نوع رفتار و منش والدین به صورت طبیعی بیشترین سهم را در شکل‌گیری شخصیت کودک دارد. کودکان با مشاهده رفتار والدین ناخودآگاه بسیاری از پیامهای تربیتی را دریافت و ثبت می‌کنند و در بزرگسالی به اجرا در می‌آورند. بنابراین اگر والدین التزام و اعتقاد خود به اعمال عبادی را در عمل به نمایش بگذارند بخش عظیمی از رسالتشان را در تربیت فرزند به انجام رسانده‌اند. به عبارتی تربیت ابتدایی انسان به طور طبیعی با روش الگویی شکل می‌گیرد و کودک در چند سال نخست زندگی خود همه کارهایش را از الگوهای پیرامون خود که در درجه اول پدر و مادر هستند الگو برداری می‌کند و با

تقلید از آنان رشد می‌کند و ساختار تربیتی‌اش سامان می‌یابد. همچنین کودک بسیاری از رفتارها و عادت‌های خود را در مراحل آغازین زندگی از طریق تقلید از دیگران فرا می‌گیرد و آن را بخشی از رفتارهای روزمره خود قرار می‌دهد. پس باید مراقب بود که در این سنین کودک با چه اشخاصی بیشترین ارتباط را دارد. به این ترتیب فرزندان بسیاری از عادات و رفتارها را به دو روش می‌سازند و بخش مهم شخصیتشان شکل می‌گیرد؛ اولین روش الگوپذیری و دومین روش تقلید است. نزدیک‌ترین الگو والدین و در همین راستا خانواده و دوستان علاوه بر الگو قرار گرفتن بهترین موارد برای تقلیدند. بنابراین والدین باید با روش‌های مناسب از همان کودکی فرزندان خود را با اعمال عبادی مأنوس کنند و آنها را برای نوجوانی و بزرگسالی آماده سازند. در دستور رسیده است که به بچه‌ها از سن هفت سالگی نماز تمرینی یاد بدهید، البته کودک هفت ساله نمی‌تواند نماز بخواند ولی صورت نماز را می‌تواند بخواند. از هفت سالگی می‌تواند به نماز عادت کند، چه پسر و چه دختر یعنی همان ابتدای مدرسه رفتن باید نماز را در دبستان به او یاد بدهند و در خانه هم همینطور. (مرتضی، مطهری، آزادی معنوی، ص ۱۵۰)

براساس تعالیم اسلامی تعلیم و تربیت از جمله حقوق فرزند است که بر عهده پدر و مادر نهاده شده است و در رأس آن تربیت دینی قرار دارد. تربیت دین عبارت است از فراهم کردن زمینه برای ایجاد نظام فکری مبتنی بر آراء و اندیشه اسلامی، به نحوی که عقاید، رفتار، گفتار، آداب، و عادات و نیز روابط فردی و اجتماعی فرد بر اساسان شکل می‌گیرد. خواجه نصیر طوسی دین را مؤدب اول و مربی نخست می‌داند از این رو بر پدر و مادر واجب است که فرزند را در قید ناموس الهی که همانا شریعت است در آورند. با استفاده از انواع روشها و سیاستها ب اصلاح عادات ایشان پردازند. (خواجه نصیر الدین، طوسی، اخلاق ناصری، ۱۳۳۶) والدین و مربیان باید قرآن، سنن و وظایف دینی را ب هکودک بیاموزند و از وی برای دستورهای دینی مواظب نمایند و چون از مرتبه کودکی بگذرد، او را به فراگیری حکمت بخوانند تا آنچه را در آغاز به تقلید فرا گرفته، برهانی و مستدل سازد. (بهشتی، محمد و دیگران، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، (۱۳۷۹))

تربیت دینی فرزند یک ضرورت است، کسانی که تربیت کودکان و نوجوانان خود را از وظایف خویش به حساب نمی‌آورند و تمام توجه خود را به امور روزمره کودکان معطوف داشته‌اند، در آینده باید منتظر پیامد-های منفی این بی توجهی باشند. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: مانند ستم پیشگان دوران جاهلیت نباشید که نه در پی آگاهی دینی بودند و نه در شناسایی خدا اندیشه می‌کردند، مثل تخم افعی در لانه پرندگان که شکستن آن گناه است؛ زیرا گمان می‌رود تخم پرنده باشد اما جوجه آن شرّ و زیانبار است. یعنی ظاهر شما به حکم محیط اسلامی، ایمان است ولی در باطن صفات جاهلیت دارید (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶).

بنابراین نماز برای کودکان گرچه واجب نیست ولی اگر خانواده‌ای دغدغه نماز خوان شدن فرزندش را در بزرگسالی دارد، ناچار است در همین سنین به تربیت دینی فرزند خود همت گماشته و ارزش امور عبادی را برایش درونی سازد. در مسیر این هدف باید روش‌هایی را به کار گرفت که راه رسیدن به هدف را هموار سازند.

از همین روی در تربیت عبادی آنچه اهمیت دارد شناخت روش‌های اجرایی و عملیاتی آن است، به عبارتی موفقیت در تربیت عبادی منوط به سرلوحه قرار دادن روش‌های درست و مناسب برگرفته از آیات و روایات است که در ادامه به مؤثرترین این روش‌ها اشاره می‌شود.

۱) رعایت اصل تدریج در آموزش اعمال عبادی به کودک

با توجه به تفاوت‌های فردی و همچنین تدریجی بودن رشد ذهنی و توانایی جسمی در کودکان، برای موفقیت در تربیت عبادی و معنوی کودکان از جمله نکاتی که باید در امر آموزش از آن غافل نشد تدریجی مطرح کردن مطالب و معارف دینی است چرا که در تدریج تکرار و تداوم وجود دارد و تربیت جز با تدریج و استمرار و رعایت توانایی و قدرت تربی تحقق نمی‌یابد. یکی از آسیب‌های آموزش و پرورش جاری اینست که آموزش، توصیف و توصیه‌ها به روش غیر تدریجی، آنی، شتابزده و نامتعادل نهفته است. شتابزدگی آفتی است که نه تنها میوه و شاخ و برگ و درخت تنومند تعلیم و تربیت را می‌خشکاند بلکه گاه حیات را از ریشه آن نیز می‌ستاند افراد رابه کلی از اصل دین می‌گریزند (ابو الفضل، ساجدی، دین گریزی چرا، دین گرایی چه سان، ۱۳۸۸، ص ۲۳۳)

آموزش مفاهیم دینی دارای مراحل و درجات است و این مراحل و درجات به دلیل تفاوت در رشد استعدادها، شناختی، عاطفی، انگیزشی و نیز در معلومات و تجربیات کودکان است به گونه‌ای که نمی‌توان هر مطلبی را در هر مرحله‌ای آموزش داد بلکه مطالب باید متناسب با سطح دانش و قدرت درک دانش آموزان باشد. به عنوان مثال آموزه‌های وجود خداوند، توحید، معاد و مانند آنها را نمی‌توان در کودکی و در قالب استدلال‌های پیچیده عقلانی و مفاهیم انتزاعی آموزش داده شود بلکه باید به زبانی ساده، جذاب، و آسان بیان کردند و مفاهیم انتزاعی و راهین فلسفی و منطقی را به دوره‌هایی موکول کرد که استعداد لازم برای فهم آنها در شخص به وجود آمده باشد.

در تعالیم اسلامی توصیه‌های فراوانی در زمینه آموزش تدریجی مسائل دینی آمده است. امام صادق (ع) در به زیبایی تأثیر اصل تدریج را بیان فرموده‌اند: وقتی کودک به سن دو سالگی رسید از او بخواهید هفت بار لا اله الا الله بگوید سپس او را به حال خود واگذارید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد، در این هنگام او را آموزش دهد که هفت بار بگوید محمد رسول الله و سپس تا چهار سالگی او را آزاد بگذارید، در آن هنگام از او بخواهید که هفت مرتبه صلی الله علیه و آله را تکرار کند و سپس تا ۵ سالگی او را رها کنید در این وقت اگر کودک در این وقت اگر کودک دست چپ و راست خودش را تشخیص داد او را در برابر قبله قرار دهید و سجده را به او بیاموزید. در سن شش سالگی رکوع و سجود و دیگر و دیگر اجزای نماز را به او آموزش دهید، وقتی هفت سال او تمام شد به او بگویید دست و صورت خود را بشوید، در مورد وضو نیز به تدریج وضو گرفتن را به او بیاموزید، سپس به او بگویید نماز بخواند آنگاه کودک را به حال خود بگذارید تا نه سال او تمام

از ۱۸ سالگی به بعد این علاقه کمرنگ می‌شود. (دکتر اسماعیل بیابان گرد، روانشناسی نوجوانان، ص ۹۹، ۱۳۷۹) بر این اساس می‌توان بیشترین بهره را از این دوره برای ترغیب نوجوانان به نماز و انجام اعمال عبادی برد. به گفته موریس دبس، در این دوره حتی در افرادی که مذهبی نبوده‌اند می‌توان دید که به بیداری مذهبی رسیده‌اند که خود مرحله‌ای از رشد محسوب می‌شود. تماس با ارزشهای مذهبی در تشکیل شخصیت تأثیر بسیاری دارد و نوجوان را وادار می‌کند وجود خود را تابعی از جهان بزرگ بداند. (منبع قبلی)

(د) نقش والدین و سایر مربیان در این دوره

نقش والدین در نوجوانی به مراتب از کودکی پر رنگ‌تر و تأثیر گذارتر است؛ با این تفاوت که در نوجوانی نوع اثر پذیری با کودکی متفاوت است. کودکی دوران الگو پذیری، تقلید و عادت دهی است و کودک اغلب با مشاهده رفتار والدین و اطرافیان از رفتارهای آنان الگو برداری می‌کند بی آنکه به دنبال فلسفه این نوع رفتارها یا به دنبال پاسخی برای آنها باشد. اما نوجوانی دوره‌ای است که بیشترین تحولات را با خود به همراه دارد. فرد در این سالها درباره خودش و جهانی که در آن زندگی می‌کند و روش زندگی می‌اندیشد، پرسش‌هایی در ذهن خود می‌پروراند از جمله اینکه من کیستم؟ در این دنیا به دنبال چه هستم؟ آیا دین داری روش مناسبی برای زندگی هست؟ آیا این روش سعادت دنیوی و اخروی را تأمین می‌کند و ... بنابراین نوع اثر گذاری والدین و سایر متولیان امر تربیت دینی در این دوره متفاوت است، با آغاز این دوره باید مسائل اعتقادی همراه با استدلال قانع کننده آموزش داده شود، تا نوجوان به هویت مناسبی دست یابد. در این دوره علاوه بر پدر و مادر و به طور کلی خانواده، دوستان، مربیان، معلمان، محیط اجتماعی و وجود برنامه‌های تربیتی مناسب نقش بسیار مؤثری در شکل گیری هویت دینی فرد و تداوم و بقای آموزشهای که نوجوان در سنین کودکی آموخته خواهد داشت.

خانواده شالوده و اساس شخصیت نوجوان را شکل می‌دهد. چون اولین کانونی که انسان پای در آن می‌نهد و زندگی خود را از آنجا آغاز می‌کند، خانواده است. خانواده نقش بسار مهمی در تربیت بشر دارد همانطور که نقش اساسی در تشکیل جوامع و ایجاد تمدن‌ها دارد. به عبارتی خانواده طراح، مهندس و معمار شخصیت فرزند است، بنابراین نقش خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و مسئولیت بزرگی بر دوش خانواده قرار دارد.

علاوه بر محیط خانوادگی محیط دیگری که نوجوان بخش مهمی از عمر خویش را در آنها سپری می‌کند مدارس و محیط‌های آموزشی می‌باشد که در این فرصت با معلمان و مربیان در ارتباط هستند. در اهمیت نقش معلم و مربی همین بس که گفته می‌شود سرنوشت و تربیت یک نسل در دست آنان است.

با شکل گرفتن مبانی اعتقادی کودک در خانواده در مرحله بعد کودک به اجتماع ورود پیدا می‌کند و وارد دنیای مدرسه می‌شود، با گروه همسالان ارتباط می‌گیرد، و در معرض آموزشهای مربیان و معلمان قرار می‌گیرد در این مرحله فکر و روح کودک از آموزه‌های معلمان تغذیه می‌کند. اگر این آموزشها همسو با

تربیت اولیه کودک باشد موجب عمق یافتن و ریشه دواندن مبانی اعتقادی در دل و جان کودک می‌شود، در غیر اینصورت در مسیر تربیت دینی اختلال ایجاد می‌شود و فرزند دچار تناقض شده و ممکن است نتیجه مطلوب حاصل نشود. بر این اساس معلم و مربی لایق کسی است که در درجه اول ساختمان طبیعی شخصیت نوجوانان را مورد مطالعه قرار دهد تا اطلاعات کافی در خصوص ویژگیهای نوجوانان داشته باشد و در عمل نیز اعتقاد و التزام خود را به اعمال عبادی و امور دین نشان دهد تا بتواند برای متربیانش الگو قرار گیرد. (محمد تقی فلسفی، گفتار فلسفی جوان از نظر عقل و احساسات، ص ۲۳۲، ۱۳۷۳)

مربی باید نسبت به متربی مهربان و با محبت باشد و با زبان نرم و رفتاری نیکو و متناسب با روحیات و شرایط و سن و سال شخص با او ارتباط مؤثر برقرار کند. خوش رو و شوخ طبع باشد تا بتواند در دل متربیان خود نفوذ کند تا کلامش اثر گذار باشد و رفتارش الگو قرار گیرد، سواد و دانش کافی در زمینه روانشناسی کودک و نوجوان داشته باشد. نسبت به امور مذهبی و اعمال عبادی واقف باشد، و در نهایت روحیه فعالیت‌های جمعی و گروهی داشته باشد.

اگر بخواهیم نقش معلم را در تربیت عبادی و ترغیب فرزندانمان به نماز بررسی کنیم؛ باید گفت: معلم در شکل‌گیری شخصیت نوجوان مانند مکمل عمل می‌کند به این ترتیب که؛ اگر معلم خودش در یک محیط مأنوس با معنویات رشد یافته باشد می‌تواند در مسیر تربیت عبادی و امور معنوی راهنمای خوبی برای نوجوان باشد و به استحکام ریشه‌های اعتقادی کودک کمک می‌کند. بنابراین والدین باید حساسیت بیشتری نسبت به انتخاب محیط‌های آموزشی به خرج داده و اگر دغدغه دیندار بودن فرزندان خود را دارند باید آنها را در معرض آموزشهای افراد صالح، دیندار، معتقد و مقید به انجام عبادات قرار دهند.

مسئله دیگری که حائز اهمیت است اینکه؛ در دوره نوجوانی اثرپذیری نوجوان از دوستان و همسالان بیشتر است. به همین علت خطر دوستی‌های نامناسب در این دوران نیز بسیار بیشتر و آثار و عواقبش وخیم‌تر است. بنابراین نقشی که دوست در زندگی نوجوان دارد به مراتب از والدین و مربیان بیشتر است. این مسئله هم می‌تواند چالش باشد و هم یک فرصت بسیار مغتنم جهت تقویت بنیه‌های اعتقادی نوجوان به این نحو که اگر در انتخاب دوست افرادی را که به دنبال تعالی و رشد شخصیت خود هستند را برای دوستی انتخاب کنند طبیعتاً آن شخص نیز در مسیر تربیت الهی قرار می‌گیرد و برعکس اگر دوستانی خالی از تقیّدات معنوی برای خود برگزینند خود نیز با آنها همسو شده و از مسیر تربیت عبادی و تقویت بعد معنوی فاصله می‌گیرند. حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «هر کس بدون سنجش با کسی دوستی کند به ناچار با فاسدان هم‌نشین می‌شود». (عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۱۶، ۱۴۱۰)

بنابراین داشتن دوست به خصوص در نوجوانی ضرورت تکمیل شخصیت فرد است. اما این انتخاب باید با بررسی دقیق و مشورت و استفاده از تجربیات والدین و مربیان و معلمان صورت گیرد که دوست مناسب و مفید انتخاب شود.

نتیجه گیری

در مجموع می توان گفت تربیت عبادی که به معنی آموزش اعمال عبادی به متربیان و نیز پایبند نمودن آنان به انجام این تکالیف است معلول عوامل مختلفی است که همگی در کنار هم در ایجاد یک نتیجه رضایت بخش مؤثر هستند. در این پژوهش نیز سعی شد راهکارهای مختلفی برای تشویق و ترغیب فرزندان به اعمال عبادی و از جمله نماز ارائه شود. با وجود اهمیت هر یک از این روش ها مهمترین عامل که در واقع نقشی بنیادین در گرایش فرزند به نماز دارد، خانواده است. خانواده در ایجاد گرایش فرزندان به نماز و فراهم سازی زمینه به عنوان یک عامل بی نظیر و اولین ایستگاه تربیتی اهمیتی به سزا دارد. بنابراین والدین دغدغه مند باید عمده کوشش خود را در حفظ این فضا به کار گیرند.

مسئله دیگری که باید به آن توجه داشت اینکه آموزش ها باید به تناسب سن، جنسیت، موقعیت خانواده و روحیات اشخاص شخصی سازی شوند. به عبارتی روشهای اشاره شده برای ترغیب فرزندان به اعمال عبادی و به خصوص خواندن نماز، به طور کلی اشاره شده، اما این روش ها در خصوص هر شخص باید به شکلی به کار گرفته شود که بهترین نتیجه را به ظهور برساند. علاوه بر این روشهای ترغیب در کودکی با نوجوان متفاوت است بنابراین باید به شکل تیزبینانه نسبت به این تفاوتها آگاه بود، به طور مثال با آغاز مرحله نوجوانی باید مسائل اعتقادی همراه با استدلال قانع کننده آموزش داده شوند تا نوجوان بتواند به هویت مناسبی دست یابد.

همچنین در تربیت عبادی معنوی ضروری است به موازات آموزش وظایف عبادی، عواطف و احساسات معنوی کودکان و نوجوانان نیز رشد و پرورش داده شود. به عبارت دیگر برای تقویت پیوند عاطفی و قلبی کودک و نوجوان با دین و تکالیف آن نباید فقط به روش های ظاهری اکتفا کرد بلکه باید کاری کنیم که کودک نسبت به عبادات قلباً مشتاق و راغب گردد. بنابراین با پیوند فنون ظاهری تربیت عبادی با احساسات درونی کودکان و نوجوانان می توان هر چه بیشتر در نهادینه سازی اعمال عبادی در کودکان و نوجوانان امیدوار بود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم

۲. احمد احمدی، اصول و روشهای تربیت در اسلام، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴

۳. افروز، غلامعلی، روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، تهران، اولیا و مربیان،

چاپ ۹

۴. انجمن اولیاء و مربیان، جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات نماز و خانواده، جلد اول و دوم، تهران،

۱۳۸۶

۵. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۰

۶. برقی، احمد بن محمد خالد، المحاسن، جلد اول، چاپ دوم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱

۷. بهشتی، محمد و دیگران، زیر نظر علیرضا اعرافی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد دوم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها، ۱۳۷۹
۸. بیابان گرد، اسماعیل، روانشناسی نوجوانان، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل بیت، (۱۴۰۹)
۱۰. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب‌الاسناد، مؤسسه آل بیت (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۲
۱۱. خلجی، حسن، روش‌های مؤثر تربیتی در هدایت و جذب کودکان به نماز، همایش منطقه‌ای نماز از محراب تا معراج، ۱۳۹۱
۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳
۱۳. رحمان دوست، منصوره، مقاله؛ نقش خانواده در ترغیب نماز با تأکید بر روش‌ها، مجموعه مقالات نماز و خانواده، ج ۱
۱۴. ساجدی، ابو الفضل، دین‌گزیزی چرا، دین‌گرایی چه سان، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۸
۱۵. سعیدیان جزی، مریم، دست آوردهای نماز برای سلامت معنوی و توسعه اجتماعی، فصلنامه پژوهشهای اجتماعی اسلامی، شماره ۱۱۳، ۱۳۹۶
۱۶. شرفکندی، عبدالرحمن، قانون در طب، تهران، سروش، چاپ اول، ۱۳۶۳
۱۷. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، امیرالمؤمنین (ع)، چاپ سوم، ۱۳۹۱
۱۸. طوسی، خواجه نصیر الدین، اخلاق ناصری، به تنقیح و تصحیح مجتبی مینوی، و علیرضا حیدری، تهران، چاپخانه زر، ۱۳۳۶
۱۹. فضل‌الله، محمد رضا، فرزاد اسدی، درآمدی بر تربیت دینی با توجه به پیشرفت و ادراکات دینی در کودکان و نوجوانان، تربیت اسلامی، شماره ۳، ۱۳۷۹
۲۰. فلسفی، محمد تقی، گفتار فلسفی جوان از نظر عقل و احساسات، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ۱۱، قم
۲۱. قره بیگلر، محمد رضا، حسین، کریمیان، روان‌شناسی و مسائل نوجوانان، به نقل از کتاب امیل، چاپ اول، امیر، تهران، ۱۳۸۰
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم، دارالثقلین، چاپ چهارم، ۱۳۹۳
۲۳. مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، تهران، صدرا، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۳
۲۴. مطهری، مرتضی، آزادی معنوی، تهران، صدرا، چاپ ۵۸، ۱۳۹۲
۲۵. مفید، محمد بن محمد، شیخ صدوق، امالی، آدینه سبز، چاپ دوم، ۱۳۹۴
۲۶. موسوی بجنوردی، محمد، مجموعه مقالات فقهی - حقوقی - اجتماعی، انتشارات مجد، ۱۳۹۱

۲۷. شکر اللّٰهی، مهدی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی